

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۲

افق خیابان‌ها

خیابان در جامعه طبقاتی سرنوشت‌ساز است. تعیین و تکلیف ماندن [حکومت‌مداران و دولت‌مداران] و رفتن و کندن کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دختران، جوانان، دانشجویان و دیگر ستمدیدگان [از مناسبات سرمایه‌داری] است؛ پس عدم حضور و استفاده از فرصت‌های اعتراضی، یا فقدان برنامه هدفمند، ندانستن‌ها، کمکاری‌ها و لغزش‌ها، برابر با افزودن به زیان‌ها است.

در هر صورت گفته‌ها و نکته‌ها پیرامون وقایع چند هفته اخیر در ایران بسیار است. علاوه بر تحرکات، تصاویر منتشر شده به اندازه کافی گویا و نشان‌دهنده برافروختگی و بغض میلیون‌ها زن و دختر، جوان، دانشجو، دانش‌آموز و دیگر توده‌های محروم در برابر حاکمان مستبد است. پنهان نیست که از زوایای گوناگون می‌شود دوروبر تظاهرات هزاران انسان صدمه‌دیده گفت و نوشت؛ ولی قبل از هرگونه سخت‌گیری و قضاوت از آینده [تا حدودی مبهم و نامعلوم آن]، ممیزه آن را من حیث المجموع می‌شود در دو موضوع تبیین کرد. اول این‌که به خیابان آمدن زنان و دختران و همگرایی جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان و مردم، استمرار خشم و تنفر چند دهه نسبت به سرمداران رژیم جمهوری اسلامی؛ و دوم این‌که انتخاب روش تعرضی در مقابل متد دفاعی [تابه‌حال] ستمدیدگان در برابر ارگان‌های سرکوب [نسبت به دهه‌های پیشین] نظام است. اگرچه در حاشیه دو مورد فوق مطلب‌های دیگری را می‌شود به آن‌ها اضافه کرد و کم‌وبیش به عمق آنچه در درون جامعه ایران می‌گذرد، بهتر پی بُرد.

به‌نوعی علت آشفتگی و برآمد سیاسی جامعه بسیار روشن و منشأ آن به بیش از چهل سال دوزوکلک‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سرکوبگرانه، نظام برمی‌گردد؛ بیش از چهل سال است که جامعه و مردم در جنگ و جدل نامساوی با حامیان و حافظان سیستم و مناسبات حاکم در ایران هستند؛ بیش از چهل سال است که نظام سیاست توهین، تهدید و سرکوب و حبشیانه در حق توده‌ها را پی گرفت و بیش از چهل سال است که دستگیر و شکنجه کرد و کشت تا جامعه را به عقب بازگرداند. ولی زنان و دختران [این بار] با همگرایی جوانان، به دنبال دانشجویان، دانش‌آموزان و دیگر توده‌های ستمدیده در سه چهار هفته اخیر دمار از روزگار سران حکومت درآوردند و جامعه را در دوراهی و انتخاب بسیار عظیمی قرار داده‌اند. ماندن به‌مانند قبل و یا عبور از آن، منتها از ظواهر پیداست که برگشت به عقب [به‌ویژه با گزینش سابق] قدری محال است. برای این‌که خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان با اعمال رادیکال‌شان این نظر را بر روی میز هر انسان آزادی‌خواه گذاشته‌اند که نظام [به مانند دهه‌های پیشین] به تمام، برنده از این جدال بیرون نخواهد

آمد. التماس و همزمان ارباب، خط و نشان کشیدن‌های حکومت‌مداران و دولت‌مدارانی همچون «حسین سلامی» فرمانده سپاه پاسداران به تحرکات جوانان مبنی بر این که «ما شما را دوست داریم» و در همان حال «انتقام خون مدافعین اسلام را از تروریست‌ها خواهیم گرفت»؛ یا «محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس با این عبارات «امنیت، حداقل وظیفه‌ای است که یک نظام سیاسی باید برای مردم تأمین کند و مسئولان امنیتی کشور باید مقتدرانه با همه کسانی که مخل امنیت مردم هستند برخورد کنند و در این موضوع هیچ تسامحی نباید صورت بگیرد»؛ سر آخر «همدردی» «خامنه‌ای» با خانواده «مهسا امینی» و همزمان وصل اعتراضات عمومی و همگانی به «بیگانگان» با این عنوان: «من به‌صراحت می‌گویم این اغتشاش‌ها و ناامنی‌ها، طراحی امریکا و رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی بود و حقوق‌بگیران آن‌ها و برخی از ایرانی‌های خائن در خارج به آن‌ها کمک کردند»؛ به‌غیراز ادامه سیاست‌های تاب‌حال نظام در مقابل مطالبات ابتدائی نودونه درصدی جامعه نیست.

البته این رویه همیشگی سران نظام نسبت به جامعه اعتراضی است و در عمل نشان داده‌اند که فاقد پایین‌ترین پتانسیل و گفتمان سیاسی برای حل و فصل مشکلات تلنبار شده و خواسته‌های ابتدائی سازندگان اصلی جامعه‌اند. تعرض به معیشت توده‌ها، به مطالبات بدیهی زنان و دختران همچون انتخاب پوشش، بالا کشیدن دستمزدهای کارگران، تعرض وحشیانه به دکه‌داران، حمله به کارتن‌خواب‌ها و خلاصه ارتکاب فاجعه هولناک دیگری همچون «دانشگاه شریف» که در چندروزه اخیر جامعه شاهد آن بوده است، جز برملائی هرچه بیشتر ماهیت سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در اذهان عمومی نیست. آن‌قدر تعرض به مردم بالاست و آن‌قدر خفقان و بی‌عدالتی‌ها و سرکوب‌ها افزون‌شده است که بنابه گزارش‌ها و خبرگزاری‌های خودی‌هایشان، صدای مستندساز نزدیک به دفتر خامنه‌ای همچون «جواد موگویی» را هم درآورده و در گزارش کوتاهی می‌نویسد: «آدم سر چهارراه قدس، دختری تنها و بی‌روسی داشت دادوبیداد می‌کرد. صدایش را نمی‌شنیدم، ناجایی پرتش کرد توی جوب. چند بسیجی ریختند سرش. ۶۰ کیلو نبود. دویدم سمت دختر. داد زدم نزدیک می‌میره! یکی گفت به تو چه! ناگهان بدم سوخت. ناجایی با گلوله پلاستیکی پشت سر هم شلیک می‌کرد. به دست و سینه‌ام».

این چهره حقیقی نظام جمهوری اسلامی است و بی‌شک آن اندازه است که نوشتن همه آن‌ها در یکجا محال است. سال و ماه و یا روزی از روزهای سران حکومت خالی از تعرض به جان و مال و حمله به محروم‌ترین اقشار جامعه نیست. در یک‌کلام نظام جمهوری اسلامی بدون زور سازمان‌یافته و خشونت فلج است، منتها این بار [علی‌رغم اضطراب از آینده اعتراضات] زنان و دختران بعد از قتل فجیع «مهسا امینی» با رقص و رزم روسری سوزان به میدان آمده‌اند و در زمانی کوتاه، خواهان آزادی و رهایی از سیستم و مناسبات اسارت‌بار نظام جمهوری اسلامی شده‌اند؛ چهار هفته‌ای است که فضای جامعه را کاملاً زیرورو کرده‌اند و در همان حال چهار هفته‌ای است که دسته‌های بسیج نظام به همراه ارگان‌های مسلح در میدان‌های متفاوت مشغول دستگیری و تیراندازی به‌سوی معترضین هستند.

مختصر این‌که جنب‌وجوش‌های ستمدیدگان و محرومان در پیش است و پیداست نظام [فعلاً] توان پس زدن آن‌ها را ندارد. اما به‌موازات آن سؤال‌های مبرهن و به دنبال نگرانی‌هایی از آینده وجود دارد، مبنی بر این‌که سرانجام جنبش‌های اعتراضی بدون هدایت سالم و کمونیستی چه خواهد شد؟ آیا تهدیدات و سرکوب‌های روزانه باعث عقب‌نشینی [خیابان‌ها] و یا خستگی اعتراضات زنان و دختران، جوانان و دانشجویان و غیره خواهد شد؟ چرا لاشخورهایی همچون رضا پهلوی، شهرام همایون، مریم رجوی و ده‌ها انگل سیاسی دیگر همچون مسیح علی‌نژاد به‌صف شده‌اند و ادعای «رهبری» اعتراضات مردمی را دارند؟ چرا به تکاپو افتاده‌اند و شتاب‌زده در پی وصل خود به مردم‌اند؟ و ...

بدون تسامح، علت در فقدان برنامه هدفمند و نیز در عدم سازمان‌دهی متناسب با قانون‌مندی حاکم در جامعه است؛ مهم‌تر و بدون تسامح، علت اساسی در نبود سازمان کمونیستی و انقلابی متعلق به مردم در درون است. هرچند اولین بار نیست که جامعه اعتراضی ایران با سارقان سیاسی با مدل‌های متفاوت روبرو است. ۵۷، ۷۷، ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ و دیگر زمان‌ها و خلاصه هر وقت مردم مطالبات خود را به کف خیابان‌ها آورده‌اند، از وابستگان و رانده‌شدگان حکومتی - دولتی گرفته تا جیرمخواران و طردشدگان غیر حکومتی - دولتی [با مشورت و با حمایت قدرت‌مداران بین‌المللی] پایش - گذاشته و - می‌گذارند تا جنبش‌های مردمی را از مسیر حقیقی‌اش بازدارند. بر همین اساس آنچه امروزه شایسته است، نخست حمایت و پشتیبانی از اعتراضات همگانی، در ثانی تشریح هر چه بیشتر کارکردهای سیاسی - عملی وادادگان انقلاب و دیگر نمایندگان بی‌چون‌وچرای نظام امپریالیستی [یعنی باقی‌ماندگان نظام پیشین] و به‌خصوص اشاره به نواقص پیش‌ارو و چشم‌اندازهای آن است. منظور از این‌که هرگونه بی‌توجهی به موضوعات مهم و کلیدی، یک‌بار دیگر جامعه را به مسیر خلاف آرمان‌بنیادی میلیون‌ها انسان دردمند و صدمه‌دیده سوق خواهد داد. اگرچه بیان آن [به دلیل فقدان حضور در درون] ساده است ولی پافشاری و بازگویی چندین‌باره جایگاه مدافعین سرمایه به نسل‌های تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ضروری است. صریح‌تر این‌که نسل دهه هشتاد مستحق دانستن از کارکردهای نظام پیشین و دار و دسته‌هایش و هم‌زمان سزاوار اطلاع دقیق از ماهیت رانده‌شدگان و همیاران نظام جمهوری اسلامی در دوره‌های متفاوت است. پس اعتراضات اخیر علی‌رغم نارسائی‌ها [که ریشه به موارد دیگر دارد] شایسته حمایت و پشتیبانی است و هرگونه نكوهش و یا ایجاد سد درروند آن، برابر با سرکوب نظری مخالفت‌ها و همچنین برابر با عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری [به هر درجه و میزان] است. به همان دلیل پیرامون مطالبات پامال‌شده زنان و دختران، کارگران و زحمت‌کشان، جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی در برابر رژیم سرپا مسلح باید گفت و نوشت، به همان دلیل هم باید از نقش و از اهمیت آلترناتیو کمونیستی [آن‌هم] به‌عنوان ستون پیشرفت جنبش‌های همگانی و تمام‌کننده گفت و نوشت. متأسفانه زخم عمیقی که به مدت طولانی در اندام بخش‌های متفاوت و ستمدیده جامعه لانه کرده است و بی‌علت نیست که جرثومه‌های فساد هم‌چون رضا پهلوی و اعوان انصارش، مریم رجوی و دیگر دلقک‌های سیاسی فرصت را غنیمت شمرده و در قامت دفاع از آزادی رنان و دختران، جوانان، دانشجویان و دیگر توده‌های دردمند در خارج از کشور به میدان آمده‌اند؛ عناصر و افکاری که نه‌تنها موردپسند جامعه و مردم نیستند بلکه به تمام رانده شده‌اند.

در هر صورت یک مطلب روشن است که جامعه اعتراضی و دامن‌دار کنونی به مرحله آزمایش سیاسی دیگری پا گذاشته و انتخاب نهایی خود را در ابعادی به‌مراتب گسترده‌تر از پیش به کف خیابان‌ها آورده است. توجه به این موضوع در هر دوره‌ای از جمله اولویت‌هاست و نیز پیداست که هیچ جنبش اعتراضی و آن‌هم با هر میزان و وسعتی [بمانند سه هفته اخیر]، به‌تنهایی و در حقیقت بدون پا پیش گذاشتن یگانه طبقه تا به آخر انقلابی [یعنی طبقه کارگر] و به‌خصوص بدون نمایندگان سیاسی‌اش [یعنی سازمان کمونیستی]، ره بجایی نخواهد برد. بی‌گمان تجارب بسیار غنی در این عرصه در سطح جهان موجود است که چگونه طبقه سرمایه‌داری با یاری و حمایت قدرت‌مداران بین‌المللی کوشیده‌اند تا مانع هر چه رادیکال‌تر شدن اعتراضات و یگانگی مردم شوند. برپایی «انقلاب‌های رنگین»، سازمان دادن جنبش اصلاح‌طلبی، سبز و نظایر این‌ها، تجلی این واقعیات است که هدف کنترل بیش از جنبش‌های اعتراضی رادیکال و در همان حال بازتعریف «نظم نوین جهانی» و «خاورمیانه بزرگ» به‌منظور فقر بیش‌ازپیش توده‌ها، برپایی جنگ‌های تازه‌تر و مخرب‌تر، ارتکاب جنایات شنیع‌تر، وحشیانه‌تر و ناامنی‌های هر چه بیشتر است. با این اوصاف هر اندازه تعلل، بی‌توجهی و یا نادیده‌گیری به نقشه و اهداف شوم قدرت‌مداران بین‌المللی و بازیگران‌شان، فضای جامعه

ایران را به مسیر دهشتناکتری خواهد کشاند و متأسفانه به دلیل فقدان سازمان‌های کمونیستی و انقلابی، پیش‌زمینه‌های آن را تا حدودی می‌شود در درون جامعه ایران مشاهده کرد. فعال‌تر کردن دار و دسته‌های نظام پیشین با عناوین و به شکل‌های متفاوت، روغن‌کاری ماشین تبلیغاتی سازمان مجاهدین، الم‌شنکه تلخک‌هایی همچون مسیح علی‌نژاد، داریوش همایون و نظایر این‌ها و نیز بعضاً دسته‌ها و احزاب کردستان که گوش‌به‌فرمان قدرت‌مداران بین‌المللی برای اقدامات عملی علیه جمهوری اسلامی هستند، چیزی جز تمایل و خواست آن‌ها در تغییر از بالا و متعاقباً سوءاستفاده‌های سیاسی از اعتراضات زنان و دختران، جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان و دیگر طبقات کارگر و زحمت‌کش نیست؛ سیاست و هدفی که از دیرباز در دستور کار قدرت‌مداران بین‌المللی در چهارچوب «برقراری نظم نوین جهانی» و «خاورمیانه بزرگ» قرار گرفته است که بدون شک جامعه ایران هم از جمله آن‌هاست.

دریایان و برخلاف بعضاً نظرات مبنی بر این‌که از درون اعتراضاتی همچون چهار هفته اخیر، سازمان مطابق با منفعت کارگران، زحمت‌کشان، جوانان و دیگر جنبش‌های دمکراتیک – اجتماعی همچون زنان و دانشجویان عروج خواهد کرد و سکان جامعه را در دست خواهد گرفت، نگاه و نظری محال است؛ ولی این نگاه و نظر درست است که از درون فعالیت‌های سازمان‌های کمونیستی و انقلابی، اعتراضات عمومی ممکن است.

۸ اکتوبر ۲۰۲۲

۱۶ مهر - میزان - ۱۴۰۱